

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های

اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی

(مطالعه‌ی موردی: محدوده‌ی روستایی چپر-یامچی شهرستان زنجان)

فضیله خانی*، منیژه احمدی**

چکیده: بهره‌گیری از نیروی کار زنان روستایی بایستی در راستای ارتقای شأن و منزلت و پایگاه اجتماعی آنان به خصوص در زمینه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری باشد. تحقیق حاضر سعی بر تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت و تصمیم‌گیری زنان روستایی دارد. به منظور ارزیابی فرضیات پژوهش و تشخیص معنی‌دار بودن روابط بین متغیرها از روش‌های آماری و آزمون‌های همبستگی استفاده می‌شود. نوع تحقیق کاربردی و به صورت توصیفی و همبستگی است. ابزار تحقیق؛ پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده می‌باشد. اعتبار پرسش‌نامه بر اساس آلفای کراباخ ۰/۷۸ است. نمونه‌گیری به روش احتمالی و نوع سیستماتیک انجام گرفته است. حجم آن ۲۵۶ نفر از زنان روستایی ساکن در ۵ روستای شهرستان زنجان می‌باشد. نتایج تحقیق بیان‌گر این است که با ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آنان از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیز افزایش می‌یابد و هر قدر میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی بالاتر باشد میزان تصمیم‌گیری آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس. هم‌چنین براساس یافته‌های پژوهش بین میزان مشارکت اقتصادی زنان و افزایش انتظارات آنان از مشارکت در تصمیم‌گیری ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، تصمیم‌گیری، انتظارات، زنان روستایی، توسعه روستایی.

مقدمه

در محیط‌های روستایی علاوه بر این که از نیروی کار زنان در زمینه‌های اقتصادی و کشاورزی بهره می‌گیرند، نقش تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی (تأثیر بر تصمیم‌گیری سایر اعضای خانواده و جامعه‌ی روستایی) آن‌ها می‌تواند عاملی بسیار مهم در حل مسایل مختلف اقتصادی و اجتماعی باشد. از سوی دیگر، به‌منظور تأثیر

fazileh.khani@gmail.com

geography_rural@yahoo.com

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۶/۲۶

مقوله‌ی مشارکت و دخالت گروه‌های مردمی، باید آن‌ها را در فرایند تصمیم‌گیری نیز دخالت داد چرا که مشارکت مؤثر، متضمن تصمیم‌گیری و مداخله‌ی فعال در مسایل مختلف و رویه‌ها است. بنابراین مقوله‌ی مشارکت و تصمیم‌گیری در ادبیات توسعه دو مقوله‌ی جدا از هم‌دیگر نیستند چنان‌که در تعاریف مربوط به مشارکت، فرایند تصمیم‌گیری نیز جزئی از آن به شمار می‌آید. «راجرز»^۱ در تعریف مشارکت آن‌را میزان دخالت اعضای نظام (مردم) در فرایند تصمیم‌گیری می‌داند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۵: ۲۶۵). پیتر اوکلی مشارکت مؤثر گروه‌های روستایی در توسعه را با دسترسی مستقیم آن‌ها به منابع لازم برای توسعه و نوعی دخالت فعال و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری مؤثر در آن منابع می‌داند (اوکلی و مارسدن^۲، ۱۳۷۰: ۱۱۶). مطالعه تجارب جهانی نشان می‌دهد که به‌منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعه‌ی پایدار، باید راه‌های مشارکت زنان تسهیل شده و توان‌مندسازی آن‌ها برای شرکت در فرایند توسعه از مرحله‌ی تصمیم‌سازی آغاز شود (گوبایاند و هاکوبیان^۳، ۱۹۹۸: ۲۸).

سنجش مشارکت در تصمیم‌گیری در میان زنان روستایی با هدف شناخت ساختار قدرت در محیط‌های روستایی نیز صورت می‌گیرد. در سطح بالای مشارکت، شرکت، تفویض قدرت و تصمیم‌گیری تجلی می‌یابند که شکل واقعی مشارکت هستند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۱۱۲) چرا که توجیه اصلی مشارکت عبارتست از؛ رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی در مسئول ساختن بشر در باروری تصمیم‌گیری و عمل که سنجیده و از روی فکر باشد (میسرا و جی شیبیرچیمبا، ۱۳۷۰: ۳۳). اکثر مطالعات انجام‌یافته در حوزه‌ی زنان روستایی بیان‌گر نقش قابل توجه زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی است، اما مشارکت آن‌ها در مدیریت و تصمیم‌گیری و نیز دسترسی آن‌ها به درآمدهای به‌دست‌آمده از این فعالیت‌ها اندک است. در حقیقت، زنان روستایی را هنگامی می‌توان توانا خواند که تنها شریک انجام کار نباشند، بلکه در مدیریت و تصمیم‌گیری نیز شریک باشند (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲: ۱۳۶). لذا موضوع «تصمیم‌گیری زنان روستایی» باید به‌عنوان یکی از شاخص‌های توان‌مندسازی آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه مورد توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و مجریان قرار گیرد.

1. Rogers

2. Marsden and Oakley

3. Gobayand, I. and Hakobion L

طرح مسئله

هرچند مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها به عنوان فرایندی فعال در مسیر توسعه‌ی روستایی از اهمیتی قابل توجه برخوردار است، اما به دلایل مختلف اجتماعی- فرهنگی و با وجود نقش‌های متعدد و مهم، نسبت به مردان در تصمیم‌گیری‌های جدی و مهم از فرصت‌های کمتر برخوردارند. وضعیت زنان در محدوده‌ی روستایی چیر-یامچی شهرستان زنجان نیز از این امر مستثنی نیست. با وجود مشارکت فیزیکی و فعال زنان روستایی شهرستان زنجان در عرصه‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و غیره)، مدیریت اصلی و تصمیم‌گیری در این عرصه بر عهده‌ی مردان و تصمیم‌گیری زنان بیشتر مربوط به حوزه‌های اجتماعی و مسایل درون خانه است. ساختار اجتماعی و فرهنگ سنتی حاکم بر روستاهای مورد مطالعه موجب شده است که معمولاً همواره مردان تصمیم‌گیرنده باشند. از سوی دیگر، محدودیت دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید (زمین، اعتبارات، تسهیلات و تکنولوژی پیشرفته)، قانع بودن به شرایط موجود، سطح تحصیلات اندک و آگاهی نداشتن از حقوق اساسی خویش از جمله مهم‌ترین علت‌هایی است که باعث کاهش انتظارات زنان به‌منظور تصمیم‌گیری است. از میان عوامل ذکرشده، پژوهش حاضر به تبیین شاخص‌های اقتصادی و تحصیلات و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری می‌پردازد چرا که زنان روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه در امور اقتصادی مشارکتی فعال دارند، اما از سطح تحصیلات، آگاهی و شناختی کمتر نسبت به حقوق خود برخوردارند که موجب متضرر شدن آن‌ها در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در عرصه‌ی تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی است و این امر جز از طریق درک و شناخت این عوامل حاصل نمی‌شود. در راستای این امر سؤال‌های زیر مطرح می‌گردند: ۱- عوامل مؤثر بر ارتقای انتظارات زنان روستایی به‌منظور مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها چیست؟ ۲- مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان روستایی چه تأثیری بر تصمیم‌گیری آن‌ها دارد؟

از بین عوامل اثرگذار بر قدرت تصمیم‌گیری زنان، مقاله‌ی حاضر به تبیین دو مؤلفه‌ی مهم و تأثیرگذار بر این امر، یعنی تحصیلات و مشارکت اقتصادی می‌پردازد. هم‌چنین نظر به این‌که مطالبات زنان یکی از عناصر اصلی و اثرگذار بر قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌هاست و این عامل، خود تحت تأثیر سطح آگاهی و دانش فرد قرار دارد لذا این مقاله به مطالعه اثر شکاف بین سطح توقعات زنان و سطح

تحصیلات آن‌ها می‌پردازد. به منظور دستیابی به اهداف و سؤال‌های مورد نظر در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه اول: سطح تحصیلات زنان روستایی بر ارتقای انتظارات آن‌ها از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر است.

فرضیه دوم: بین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و نقش تصمیم‌گیری آن‌ها در این فعالیتهای رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت اقتصادی زنان و افزایش انتظارات آن‌ها از مشارکت در تصمیم‌گیری ارتباطی معنادار وجود دارد.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

پژوهش‌های تجربی در داخل و خارج از کشور به مسئله‌ی تصمیم‌گیری‌های زنان روستایی پرداخته‌اند که حکایت از تأثیر عوامل متعدد بر سطح انتظارات، مشارکت و تصمیم‌گیری آن‌ها دارد.

عذرا جاراللهی (۱۳۷۱) پژوهشی با عنوان «تاریخ‌چه‌ی اشتغال زن در ایران» انجام داده است. نتایج پژوهش او مؤید این نکته است که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی در طول تاریخ، منزلت اجتماعی زنان و به تبع آن قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها را دست‌خوش تغییر کرده است. بدین معنی که هرگاه جامعه برای مقام و موقعیت اجتماعی زنان اهمیت قایل بوده، زن توانسته است نوآوری کند و با کاهش این اهمیت، قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها کاهش یافته است (جاراللهی، ۱۳۷۱: ۲۲۰).

ملیح السادات میرمعزی (۱۳۷۳) نیز تحقیقی تحت عنوان «تبیین ضرورت به‌کارگیری مروج زن و معیارهای لازم برای انتخاب آن‌ها» انجام داده است. یافته‌های پژوهش او بیان‌گر این نکته است که مسئله‌ی تصمیم‌گیری زنان در نقاط مختلف کشورمان با بافت فرهنگی اجتماعات روستایی ارتباطی نزدیک دارد (میرمعزی، ۱۳۷۳: ۴۴-۴۳).

فضیله خانی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «جای‌گاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه‌ی روستایی، مطالعه‌ی موردی: استان گیلان» نقش اشتغال زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور تولیدی، خانواده و امور مربوط به فرزندان را مطالعه کرده است. نتایج پژوهش او بیان‌گر این است که با کاهش اشتغال زنان، نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها در هر سه حوزه به‌خصوص در حوزه‌ی تولید کم

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۹۹

می‌شود. از سوی دیگر با افزایش درآمد خانوار، زنان به تدریج از فرایند تولید خارج می‌شوند و این امر باعث کاهش نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مزرعه می‌شود (خانی، ۱۳۷۵: ۸۶).

بهرورز حمزه‌لو و امیرمظفر امینی (۱۳۸۱) نیز در شهرستان خمین پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که زنان روستایی مورد مطالعه از انگیزه‌های بسیار بالا برای حضور جدی‌تر در عرصه‌های تصمیم‌گیری برخوردارند. کاهش ازدواج زودرس و بالا رفتن نسبی سن ازدواج، افزایش ارتباط مناطق روستایی با شهر، دسترسی بیشتر زنان روستایی به رسانه‌های عمومی و آموزش‌های غیر رسمی و امکان اشتغال به کار دست‌مزدی در خارج از خانه از جمله مهم‌ترین دلایل این امر محسوب می‌شود. فرهنگ سنتی، فقدان دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید (مانند؛ زمین، تسهیلات و تکنولوژی پیشرفته)، فقدان آگاهی و اشراف آن‌ها به حقوق اساسی و توانایی خود، از موانع حضور جدی‌تر زنان روستایی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است که دلایل مذکور باعث شده‌اند در اکثر موارد زنان روستایی چندان در تصمیم‌گیرهای مهم اقتصادی و اجتماعی خانواده تأثیرگذار نباشند (حمزه‌لو و امینی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

محمد عفتی (۱۳۸۳) در استان‌های کرمانشاه، گلستان و چهارمحال و بختیاری به مطالعه‌ی «آثار مهاجرت‌های فصلی مردان بر فعالیتهای زنان روستایی» می‌پردازد. نویسنده در بخشی از پژوهش، تأثیر مهاجرت مردان بر تصمیم‌گیری زنان درباره‌ی امور روستا را ارزیابی می‌کند. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهد که ۵۲/۷ درصد از زنان در غیاب همسرشان تصمیم‌گیری امور مربوط به روستا را خودشان انجام می‌دهند (عفتی، ۱۳۸۳: ۶۷).

فضیله خانی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان روستایی در روستاهای بندپی شرقی مازندران» به شناسایی ارتباط دوگانه‌ی مهاجرت مردان و کارکرد زنان روستایی می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که زنان در نبود مردان برای جای‌گزینی نیروی کار تلاش می‌کنند، اما قدرت تصمیم‌گیری زیادی ندارند در حالی که غیبت مردان تا حدودی امکان تجربه‌ی مدیریت و تصمیم‌گیری به زنان می‌دهد و با افزایش زمان مهاجرت، قدرت تصمیم‌گیری در امور گوناگون افزایش می‌یابد. این امور پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برای زنان ایجاد می‌کند و توان تصمیم‌گیری در امور مربوط را افزایش می‌دهد (خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

«سادکا هالیم»^۴ در سال ۲۰۰۵م. پژوهشی تحت عنوان «جنسیت و روستاهای دارای برق» در کشور بنگلادش انجام داده است. یافته‌های تحقیق مذکور بیان‌گر این مطلب است که یکی از عوامل مؤثر بر ارتقای تصمیم‌گیری زنان روستایی سطح برخورداری از تکنولوژی است چرا که میزان مشارکت زنان روستایی در خانه‌های برخوردار از برق بیشتر از زنانی است که در خانه‌های فاقد برق زندگی می‌کنند. هم‌چنین زنان در خانه‌های دارای انرژی برق از تحرک اجتماعی بالاتر، قدرت تصمیم‌گیری و سطح آگاهی بیشتری برخوردار هستند (هالیم، ۲۰۰۵: ۹).

بدین ترتیب بنا بر تعریف تصمیم‌گیری را می‌توان به فرایندی اطلاق کرد که امری انتزاعی بوده و در ذهن فرد یا افرادی جریان یافته و مقدمه‌ی انجام یک کار است؛ چه این که مابه‌ازای بیرونی داشته باشد و یا این که وجود بیرونی نداشته باشد. در مقابل، تصمیم‌سازی معادل تصمیم‌گیری غیرمستقیم است. از نظر روش‌شناسی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دو شاخص مشخص‌کننده‌ی حیطة و میزان اقتدار افراد به شمار می‌آید (پیران، ۱۳۸۶: ۶۱). از سوی دیگر، مشارکت به‌عنوان شاخصی مهم در ادبیات توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. می‌توان رابطه‌ی بین مشارکت و تصمیم‌گیری را چنین بیان نمود: مشارکت، وسیله‌ی افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تلقی می‌شود (اوکلی، ۱۳۷۰: ۳۲). در واقع «میزان مشارکت» واژه‌ای برای طبقه‌بندی میزان قدرت به‌خصوص در زمینه‌ی تصمیم‌گیری است. از دهه‌ی هشتاد میلادی که روابط بین مشارکت، قدرت و تصمیم‌گیری بیشتر شناخته شد، مشارکت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توان‌مندسازی قلمداد می‌شود. هنگامی که مردم مشارکت در کلیه‌ی جنبه‌های فرایند توسعه یعنی؛ تصمیم‌گیری، اجرا، بازنگری و ارزش‌یابی و سهمیم شدن در سود را آغاز می‌کنند محتملاً سایر هدف‌های توسعه را نیز انجام می‌دهند (مؤسسه‌ی توسعه آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۶۵: ۵۶).

بر اساس مطالعات انجام‌شده توسط جیسون^۵ در سال ۱۹۷۴م، رولینگ^۶ در سال ۱۹۹۱م، و شوکس‌میت^۷ در سال ۱۹۹۳م، تصمیم‌گیری، مبدأ و خاستگاه نسبت به هرگونه فرایند تغییر است؛ خواه اختیاری و خواه اجباری باشد. به‌هرحال مطالعات تجربی نشان می‌دهند که فرایندهای تصمیم‌پیچیده و پویا هستند و

4. Sadeka, Halim

5. Gasson

6. Rölling

7. Shucksmith

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۰۱

لزوماً همواره منطقی و سنجیده نیستند. همچنین بر اساس مطالعات فیرن^۸ در سال ۱۹۹۰م. تصمیم‌گیری در میان کشاورزان فقط تحت تأثیر اطلاعاتی نیست که آن‌ها دریافت می‌کنند، بلکه با خصوصیات فردی و جامعه‌شناختی آن‌ها نیز ارتباط دارد. ویلاک^۹ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد که ساختار تصمیم‌گیری در خانواده‌ها اغلب غیررسمی و صریح یا خودآگاهانه است. اشخاص ممکن است با دسترسی یا کنترل بر منابع مطمئن بیشتر بر تصمیم‌گیری تأثیر داشته باشند چراکه سیستم‌های خانوادگی معدودی در الگوی رایج دموکراتیک عمل نموده‌اند (گارمن، ۲۰۰۶: ۲۸). سازمان فائو شاخص‌های دسترسی به زمین و مالکیت، کیفیت توزیع حقوق در زمین، مقدار مالکیت زمین، نحوه توزیع زمین و پیامدهای جنسیتی در بازار زمین را از شاخص‌های بسیار مؤثر بر تصمیم‌گیری زنان کشاورز و روستایی می‌داند (فائو، ۱۹۹۹: ۱۲). شاید نتوان مشارکت زنان روستایی در فرایند تصمیم‌گیری را امری ساده و بدیهی پنداشت چرا که این امر ممکن است گاهی منافع مردان و زنان ساکن در مناطق روستایی را در تضاد قرار دهد (صالح نسب، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۴). عوامل دخیل در تصمیم‌گیری زنان شامل؛ آموزش زنان، الگوی مالکیت آن‌ها، فرصت‌های اشتغال آن‌ها و کارکردهای بازار کار است، اما با فراتر رفتن از این متغیرها عواملی دیگر مانند؛ ترتیبات اشتغال، طرز تلقی‌های خانواده و جامعه نسبت به فعالیت‌های زنان و شرایط اقتصادی-اجتماعی در این ارتباط مؤثر تشخیص داده می‌شود (سن، ۱۳۸۱: ۲۱۸). به‌طور کلی مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی به‌خصوص در زمینه‌ی کشاورزی به ویژگی‌های فردی، تعداد فرزندان، ساعت کار، وضعیت کار، نوع کار، درآمد خانوار، مالکیت ارضی، نوع و نظام بهره‌برداری، درجه‌ی مکانیزاسیون و غیره بستگی دارد.

با توجه به مباحث ذکر شده و مطالعات تجربی نویسندگان، تأثیر عوامل مختلف بر انتظارات، مشارکت

و تصمیم‌گیری زنان را می‌توان در قالب نمودار (۱) بیان نمود:

8. Fearne

9. Willock

نمودار (۱) تأثیر عوامل مختلف بر سطح انتظارات زنان و مشارکت آن‌ها در

حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری



روش تحقیق

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، محدوده‌ی روستایی چیر-یامچی (شامل؛ روستاهای چیر، اسفجین، امین‌آباد، ینگجه و یامچی) از بخش مرکزی شهرستان زنجان است که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ دارای ۵۰۷۴ نفر جمعیت و ۱۱۷۱ خانوار است که ۲۴۰۶ نفر (۴۷/۴ درصد) از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری، نوع احتمالی و سیستماتیک استفاده و به‌منظور دستیابی به نتایج مطلوب‌تر، از خانوارهای روستایی با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌گیری کردیم. با فرض حدود اطمینان $t=1/96$ ، ضریب دقت $d=0/05$ ، $p=0/7$ ، $q=0/3$ و کل خانوارها $N=1171$ است که در این صورت حجم نمونه برابر با $n=253$ خانوار محاسبه شد که تقریباً ۲۲ درصد جامعه‌ی آماری را شامل می‌شود. سپس به هر یک از پرسش‌نامه‌ها کد

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۰۳

اختصاصی دادیم و افراد نمونه را با نظم خاص، از طریق فاصله‌ی بین دو نمونه $K = \frac{N}{n}$ انتخاب کردیم که میزان K برابر با ۴ است^{۱۰}.

نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و به روش توصیفی-همبستگی انجام شده است زیرا علاوه بر شناخت و توصیف وضع موجود مشارکت، تصمیم‌گیری و انتظارات زنان به دنبال تبیین شبکه‌ی روابط علت و معلولی در ابعاد عینی و ذهنی مسئله بوده و ارزیابی رویدادها و فرایندها به منظور اثبات یا نفی سؤال‌ها و فرضیه‌های بیان شده در پژوهش پی گرفته شده است. با استفاده از مقابله‌ی داده‌ها، رابطه‌ای منطقی بین اندیشه‌های اولیه با حقایق موجود جستجو می‌گردد، تا در نهایت ارزیابی سؤال‌ها و فرضیه‌ها انجام پذیرد. گردآوری اطلاعات و داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته، که در روش کتابخانه‌ای استفاده از کتاب‌های مختلف، آمارنامه‌ها و در روش میدانی پرسش‌نامه (دوگزینه‌ای و چندگزینه‌ای با بهره‌گیری از سؤال‌های ترتیبی، فاصله‌ای و تعاقبی) مصاحبه (به‌طور منظم) و از پیش طراحی شده و مشاهده (غیرمشارکتی و علنی) انجام شده است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل؛ سن، میزان تحصیلات، شغل زنان، وضعیت تأهل و شغل همسر است که متغیرهای توصیفی محسوب می‌شوند. در تحقیق مذکور به منظور سنجش و افزایش اعتبار و پایایی تحقیق و اعتبار پرسش‌نامه‌ی تحقیق، آلفای کرانباخ محاسبه گردید که در زمینه‌ی مشارکت اقتصادی زنان ۰/۷۲، سنجش سطح انتظارات زنان ۰/۸۲ و تصمیم‌گیری زنان ۰/۸۰ است. میانگین آلفای کرانباخ در کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۷۸ و از بُعد آماری قابل قبول است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از نوشتار، ابتدا به ویژگی‌های جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، وضعیت زنان روستایی در آن، میزان فعالیت، مشارکت و تصمیم‌گیری آن‌ها در محدوده‌ی مورد مطالعه اشاره‌ای مختصر می‌کنیم و سپس آزمون فرضیه‌های پژوهش را انجام خواهیم داد.

¹⁰ $K = \frac{1162}{267} = 4$

ویژگی‌های جامعه‌ی مورد مطالعه

محدوده چپر-یامچی قسمتی از دهستان زنجانرود بالا، بخش مرکزی شهرستان زنجان است. این محدوده در دشت زنجان قرار گرفته و بخشی از دشت بزرگ‌تر زنجان-ابهر محسوب می‌گردد. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت محدوده‌ی مورد مطالعه ۵۰۳۶ نفر بوده و نسبت جنسی آن ۱۱۴ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۱۵). زنان روستایی نیمی از جمعیت روستایی این محدوده را تشکیل می‌دهند و در بخش کشاورزی، صنایع دستی و غیره فعالیت‌هایی مؤثر و متنوع انجام می‌دهند، اما نرخ فعالیت زنان در زمینه‌های مختلف کشاورزی متغیر است که دلایل آن را می‌توان ۱- تقسیم کار جنسیتی و ۲- مهارت و تسلط مردان در استفاده از تکنولوژی‌های نوین کشاورزی نام برد. میانگین مشارکت اقتصادی زنان در محدوده‌ی مورد مطالعه ۴۵/۴ درصد است (جدول ۱).

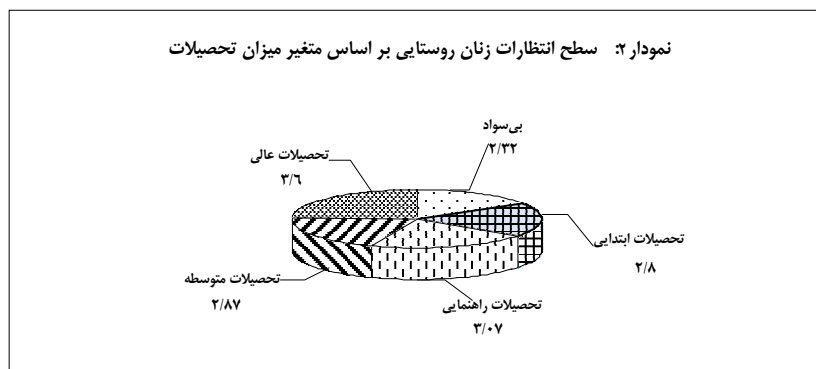
جدول (۱) میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی محدوده‌ی روستایی

چپر- یامچی شهرستان زنجان (درصد)

شرح	درصد مشارکت	ملاحظات
مرحله‌ی قبل از کاشت	۵	کانال کشی، شخم‌زنی، مرزبندی و غیره
مرحله‌ی کاشت	۱۹/۱	کاشت نهال و بذر، بوچاری، ضد عفونی بذر و غیره
مرحله‌ی داشت	۳۴/۷	آبیاری، وجین، سم‌پاشی، هرس، پیوندزنی و غیره
مرحله‌ی برداشت	۷۰	درو، چیدن میوه، خرمن کوبی، بسته‌بندی، حمل به انبار و غیره
فروش محصولات کشاورزی	۴۸	-----
دام‌داری	۸۰	چرا، خرد کردن علوفه، تغلیف، شیردوشی، فراوری
صنایع دستی	۷۱	بافتن فرش، گلیم، گیوه، خیاطی، لحاف‌دوزی، قلاب‌بافی، گل‌سازی، گل‌دوزی
میانگین مشارکت اقتصادی زنان	۴۵/۴	-----

منبع: مطالعات میدانی

نمودار ۲: سطح انتظارات زنان روستایی بر اساس متغیر میزان تحصیلات



تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۰۵

آزمون فرضیه‌ها:

به‌منظور آزمون فرضیه‌ی اول: «سطح تحصیلات زنان روستایی بر ارتقای انتظارات آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر است» نحوه و شدت رابطه میان انتظارات زنان روستایی و سطح تحصیلات آن‌ها را مطالعه نمودیم. نتایج حاصل از کاربرد ضریب همبستگی، بیان‌گر وجود همبستگی بین متغیر مستقل سطح تحصیلات زنان روستایی و متغیر وابسته‌ی انتظارات زنان است. ضریب همبستگی این دو متغیر معادل $0/46$ است و نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد بین این دو متغیر است. نکته‌ی قابل ذکر این است که این رابطه در مقطع تحصیلی متوسطه به‌صورت منفی (معکوس) است. به‌عبارت دیگر؛ افراد نمونه در این مقطع تحصیلی را در اغلب موارد دانش‌آموزان دختر بین سنین ۱۸-۱۴ سال تشکیل می‌دهند، لذا پایین بودن سن این افراد را می‌توان در سطح اندک انتظارات آن‌ها دخیل دانست چرا که عموماً زنان با وضعیت تحصیلی بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی و مقطع تحصیلی عالی از سنین بالاتر در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه برخوردارند. میانگین انتظارات در میان زنان بی‌سواد $2/32$ ، زنان با تحصیلات ابتدایی $2/80$ ، زنان با تحصیلات راهنمایی $3/07$ ، زنان با تحصیلات متوسطه $2/87$ و زنان با سطح تحصیلات عالی برابر با $3/60$ از نمره‌ی ۵ (سطح انتظار بسیار بالا) است. بنابراین بر اساس یافته‌های این بخش از پژوهش، هرچند که متغیر تحصیلات به‌عنوان شرط لازم برای بالا رفتن سطح انتظارات زنان روستایی است، اما شرط کافی برای تحقق آن نیست و لذا عامل سن به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر موجب پائین آمدن انتظارات گروه تحصیلاتی متوسطه شده است (نمودار ۲).

نتایج تحقیق جاراللهی، حمزه‌لو و امینی نیز نشان می‌دهد که پایین بودن سطح تحصیلات و آگاهی زنان بر کاهش قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر است و بالعکس. آگاهی و شناخت از حقوق و وظایف به‌عنوان یکی از معیارهای اساسی برای دستیابی به حقوق زنان و ارتقای انتظارات و خواسته‌های آن‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی محسوب می‌شود. معیارهای اصلی و اساسی برای سنجش آگاهی را می‌توان از طریق سواد، آموزش‌های مختلف به زنان روستایی، استفاده از رسانه‌های عمومی، عضویت در گروه‌ها و تشکله‌ها و شرکت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و... برآورد نمود. باید به این نکته اشاره کنیم که در جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، زنان روستایی آگاهی و شناختی کمتر نسبت به حقوق خود دارند که این آگاهی نداشتن، بر سطح انتظارات آن‌ها و سایر مؤلفه‌های دیگر تأثیر گذارده است و باعث متضرر شدن آن‌ها در زمینه‌های مختلف می‌شود.

نتیجه‌ی تحقیق حاضر بیان‌گر این مطلب است که امکانات تحصیل، بافت ویژه‌ی فرهنگی روستاهای مورد مطالعه و تراکم کاری از مهم‌ترین عوامل مؤثر است که باعث شده است بیشتر زنان روستایی از سطح

تحصیلاتی پایین تر برخوردار باشند. زنان روستایی به علت پایین بودن سطح سواد و آموزش و شرایط فرهنگی-اجتماعی حاکم بر روستا عمدتاً به وضع موجود قانع هستند و در جهت ارتقای انتظارات خود به علت حاکمیت شرایط ذکر شده تلاشی نمی کنند. نتیجه این که؛ سطح انتظارات آن ها هم چنان پایین تر است.

فرضیه دوم: «بین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و نقش تصمیم گیری آن ها در این فعالیت ها رابطه وجود دارد»؛ افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و تصمیم گیری های مربوط به آن، آن ها را به سوی توسعهی فزاینده سوق می دهد و توان مند می سازد مشروط بر این که مشارکت برای کسب افزایش کنترل در عوامل تولید و تضمین برابری، دسترسی به منافع و توزیع عادلانهی منافع باشد. به طور کلی فرضیه های مشارکت زنان در تصمیم گیری ها را در محدودهی روستایی مورد مطالعه می توان به: ۱- تصمیم گیری در خانواده ۲- کارهای خانه ۳- کشاورزی ۴- بازاریابی محصولات کشاورزی و ۵- سرمایه گذاری طبقه بندی کرد.

به منظور سنجش میزان تصمیم گیری و تأثیر متغیر مشارکت اقتصادی بر آن، ابتدا سؤالی کلی در مورد تصمیم گیری تحت عنوان: «آیا در خانوادهی شما از زنان در تصمیم گیری استفاده می شود؟» مطرح کردیم. در این راستا یافته های تحقیق حاضر بیان گر آن است که ۲۱۳ نفر (۸۴/۲ درصد) از زنان روستایی محدودهی مورد مطالعه پاسخ بله، ۳۵ نفر (۱۳/۸ درصد) پاسخ تا حدودی و ۵ نفر پاسخ منفی (۱/۹۷ درصد) دادند. در گام بعدی، تصمیم گیری در دو حوزهی اجتماعی و اقتصادی را به عنوان متغیرهای اصلی و وابسته تفکیک نمودیم و سپس شاخص های تصمیم گیری مشخص گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر است:

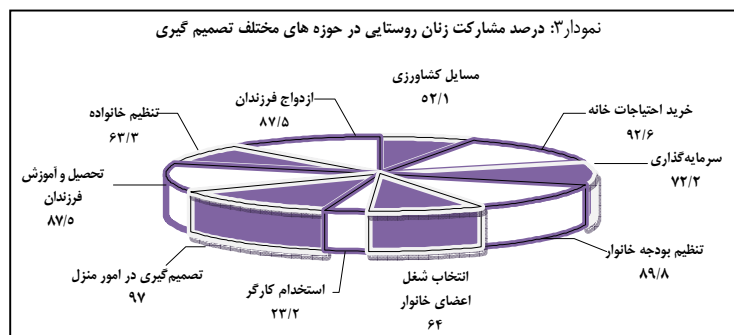
جدول (۲) حوزه ها و زمینه های تصمیم گیری زنان روستایی

حوزه های تصمیم گیری (متغیر اصلی و وابسته)	شاخص های تصمیم گیری	درصد زنان تصمیم گیر ^{۱۱}
اقتصادی	کشاورزی	۵۲/۷
	خرید احتیاجات خانه	۹۲/۶
	سرمایه گذاری	۷۲/۲
	تنظیم بودجهی خانوار	۸۹/۸
	انتخاب شغل اعضای خانوار	۶۴
	به کارگیری کارگر	۳۳/۲
اجتماعی	تصمیم گیری در امور منزل	۹۷
	تحصیل و آموزش فرزندان	۸۷/۵
	تنظیم خانواده	۶۳/۳
	ازدواج فرزندان	۸۷/۵

منبع: مطالعات میدانی

^{۱۱}. نکته: هریک از زمینه های تصمیم گیری معادل ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شده اند.

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۰۷



یافته‌های تحقیق بیان‌گر این است که بالاترین میزان تصمیم‌گیری مربوط به تصمیم‌گیری زنان در امور منزل (۹۷ درصد) است. این موضوع نشان‌دهنده‌ی این است که تقسیم کار مبتنی بر نقش‌های جنسیتی کماکان در خانواده‌های روستایی پابرجاست به طوری که مسئولیت امور داخلی خانه و رسیدگی به امور فرزندان بر عهده‌ی زنان است. در مقابل، مسئولیت امور خارج از خانه و به طور خاص، اقتصادی، بر عهده‌ی مردان است. پایین بودن تصمیم‌گیری زنان در مسایل کشاورزی (۵۲/۱ درصد) به خصوص در مرحله‌ی کاشت به عواملی متعدد از جمله شناخت پایین‌تر زنان روستایی از ویژگی‌های زمین، فاصله‌ی طولانی بین خانه و مزرعه، زمان و فصل کاشت و غیره) بستگی دارد که در نهایت می‌توان ریشه‌ی آن‌را در تقسیم کار جنسیتی دانست. از دلایل مهم دیگر این است که به دلیل فاصله‌ی اندک و دسترسی آسان روستاهای مورد مطالعه به شهر زنجان، تعدادی قابل توجه از مردان روستایی در شهر فعالیت می‌کنند و درآمد خانوار از طریق فعالیت‌های غیرکشاورزی تأمین می‌شود. در نتیجه؛ تصمیم‌گیری زنان به علت شغل همسران‌شان عملاً منتفی است. تصمیم‌گیری زنان روستایی در زمینه‌ی تحصیل (۸۷/۵ درصد) و ازدواج فرزندان (۸۷/۵ درصد) بیان‌گر این مطلب است که اولاً این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها به صورت مشترک توسط زنان و مردان انجام می‌شود. ثانیاً از میان مجموع زنانی که از آن‌ها پرسش شد برخی از زنان، فرزندان‌شان در سن تحصیل و همین‌طور ازدواج قرار ندارند و عملاً تصمیم‌گیری در چنین زمینه‌هایی برای آن‌ها مصداق ندارد. پایین‌ترین زمینه‌ی تصمیم‌گیری زنان در به‌کارگیری کارگر (۳۳/۲ درصد) است که عوامل زیر از دلایل اصلی آن محسوب می‌شوند:

۱. نحوه استفاده از نیروی کار، عمدتاً بر عهده‌ی مردان می‌باشد.

۲. به دلیل مشارکت زنان در فعالیت کشاورزی، خانواده‌های روستایی یا اصلا کارگر نمی‌گیرند یا در صورت لزوم از کارگر به صورت محدود استفاده می‌کنند که علت این امر را می‌توان در غلبه‌ی نظام بهره‌برداری خانوادگی در کشاورزی منطقه دانست.

جدول (۳) درصد مشارکت زنان در زمینه‌های تصمیم‌گیری و مشورت با زنان

نام روستا	زمینه‌های تصمیم‌گیری و مشورت با زنان									
	مسئله کشاورزی	تصمیم‌گیری در امور خانه	تخصیص و آموزش فرزندان	خرید اجناس منزل	سرمایه‌گذاری	تنظیم بودجه خانوادگی	انتخاب شغل اعضای خانواده	تنظیم خانواده	ارواح فرزندان	استخدام کارگر
اسفجین	۱۸/۵	۱۷/۹	۱۸/۸	۱۶/۵	۱۹/۵	۱۹/۱	۲۴/۴	۱۹/۱	۱۷	۲۱/۳
امین آباد	۱۲/۶	۲۴/۴	۲۴/۱	۲۴	۲۱/۱	۲۳/۱	۲۶/۲	۲۵/۴	۲۳/۷	۱۴/۱
چیر	۱۷	۱۲/۶	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۵/۷	۱۳/۵	۱۷/۷	۱۶	۱۳/۴	۲۰
یامچی	۱۹/۳	۱۸/۳	۱۷/۴	۱۸/۲	۱۷/۸	۱۸/۳	۲۵/۶	۸	۲۰	۲۴/۷
ینگجه	۳۲/۶	۲۶/۸	۲۶/۳	۲۷/۸	۲۵/۹	۲۶	۶/۱	۳۱/۵	۲۵/۹	۲۰
مجموع (درصد)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در گام بعدی به منظور تبیین ارتباط بین متغیر وابسته‌ی تصمیم‌گیری در امور مختلف با مقیاس اسمی و متغیر مستقل مشارکت اقتصادی با مقیاس ترتیبی (فاصله‌ای) از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده کردیم. بر اساس خروجی این آزمون، بین متغیر مشارکت اقتصادی زنان روستایی و میزان تصمیم‌گیری زنان با سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباطی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر فرض وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای مذکور یعنی مشارکت اقتصادی زنان و تصمیم‌گیری آن‌ها پذیرفته شده که این رابطه بر مبنای ضریب همبستگی اسپیرمن معادل ۰/۶۷ است که از نظر شدت، رابطه‌ی متوسط را بین متغیرهای یادشده نشان می‌دهد. همین‌طور نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم است. به عبارت دیگر؛ هرچه‌قدر میزان مشارکت اقتصادی زنان بالاتر باشد میزان تصمیم‌گیری آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

هم‌چنین بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی (متغیر مستقل) و میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها رابطه‌ی معنادار در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد دیده می‌شود. شاخص این آزمون معادل ۰/۳۶ است که رابطه‌ی ضعیف را نشان می‌دهد. هم‌چنین بر اساس خروجی همین آزمون در مورد میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری اجتماعی آن‌ها نیز رابطه‌ی معنادار در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد و با ضریب ۰/۵۳ مشاهده می‌شود که رابطه‌ی

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۰۹

متوسط را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هرچه میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی زیاد می‌شود، مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد یعنی؛ یک رابطه‌ی مثبت و فزاینده. نتایج تحقیق جاراللهی و خانی نیز نشان می‌دهد که با افزایش مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان، قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

هرچند مشارکت اقتصادی زنان از معنادارترین عوامل تعیین‌کننده‌ی قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده و اجتماع محسوب می‌شود، اما مشارکت اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی زنان جزو وظایف خانگی آن‌ها به‌شمار می‌رود. از مهم‌ترین دلایل استفاده‌ی مردان از نیروی کار زنان، پرداخت نکردن دست‌مزد به آن‌ها است. به علت حاکمیت این رویه در طول سالیان متمادی، زنان نیز توقع دریافت مزد را ندارند. به عبارت دیگر؛ آن‌ها «کارکنان خانوادگی بدون مزد» هستند. بر اساس مشاهدات و تحقیقات میدانی ۹۶ درصد از زنان در قبال فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی خود دست‌مزد دریافت نمی‌کنند و تنها ۴ درصد از این زنان به صورت غیرمستقیم، که در اصطلاح به آن‌ها «مادر خرج» می‌گویند اختیار پول خانوار را دارند.

به منظور آزمون فرضیه‌ی سوم: «به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت اقتصادی زنان و افزایش انتظارات آن‌ها از مشارکت در تصمیم‌گیری ارتباطی معنادار وجود دارد» اگر نسبت تصمیم‌گیری زنان روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه را جداگانه در نظر بگیریم رقم آن متوسط رو به بالا (۴/۹۹ از عدد ۷) خواهد بود، مشروط بر آن که رابطه‌ای را بین متغیرها برقرار نکنیم. با توجه به این که گویه‌های مربوط به این متغیر رتبه‌ای شامل گویه‌ی هیچ، ضعیف، متوسط و زیاد بوده است، عدد هفت بیان‌گر مشارکت کامل در تصمیم‌گیری و عدد صفر نشان‌دهنده‌ی فقدان مشارکت در تصمیم‌گیری است.

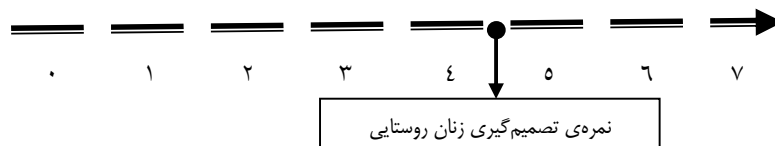
تقسیم‌بندی تصمیم‌گیری زنان روستایی در امور مختلف به شرح زیر است:

فقدان مشارکت در تصمیم‌گیری = نمره‌ی ۰

مشارکت ضعیف در تصمیم‌گیری = نمره‌ی ۱-۲/۹۹

مشارکت متوسط در تصمیم‌گیری = نمره‌ی ۳-۴/۹۹

مشارکت زیاد در تصمیم‌گیری = نمره‌ی ۵-۷



بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین وضع موجود مشارکت اقتصادی زنان ۲/۴۷ (از نمره ۵)، میانگین انتظارات زنان از وضعیت تصمیم‌گیری خود در شرایط مطلوب ۲/۸۳ و میانگین انتظارات زنان از وضعیت تصمیم‌گیری خود در شرایط موجود ۲/۴۵ و بیان‌گر شکاف ۰/۳۸ بین وضع موجود و وضع مطلوب در تصمیم‌گیری زنان روستایی است، اما فاصله‌ی شکاف مذکور کمتر است. حاکمیت فضای مردسالارانه در روستاهای مورد مطالعه، فرهنگ سنتی، دسترسی نداشتن زنان به عوامل تولید مانند: زمین، تسهیلات و تکنولوژی پیشرفته، قانع بودن زنان روستایی به شرایط موجود، پایین بودن سطح تحصیلات و به تبع آن فقدان آگاهی و اشراف به حقوق اساسی و توانایی خویش از مهم‌ترین دلایل این مسئله است. بر اساس خروجی آزمون همبستگی اسپیرمن، وجود شکاف بین انتظارات زنان در وضعیت موجود و مطلوب و رابطه‌ی آن‌ها با میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد ارتباطی معنادار وجود ندارد. این مسئله نشان‌گر این است که زنان روستایی تحت هر شرایطی (که به نمونه‌ای از آن‌ها در بالا اشاره کردیم) مجبور به انجام فعالیت اقتصادی و مشارکت در آن هستند.

بین میزان انتظارات زنان برای تصمیم‌گیری در وضعیت موجود در سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد نیز رابطه‌ای معنادار وجود ندارد، اما زمانی که در میان گروه‌های مختلف زنان روستایی، آن دسته از زنان را که به لحاظ تصمیم‌گیری در سطحی بالا قرار دارند با میزان انتظارات آن‌ها درگیر می‌کنیم، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌بینیم. بر اساس خروجی آزمون پیرسون، همبستگی بین آن‌ها ۴۶ درصد است که رابطه‌ای تقریباً متوسط را نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، فرضیه‌ی مذکور را به‌طور مشروط می‌توان پذیرفت.

نتیجه‌گیری

هرچند مسئله‌ی قدرت و تصمیم‌گیری زنان تنها چالش و مشکل آن‌ها به‌خصوص در جوامع روستایی نیست، بی‌شک بدون حضورشان در تصمیم‌گیری‌ها احقاق حقوق و رفع تبعیض‌ها هم ممکن نیست. پایین بودن سطح تحصیلات، عدم اشتغال رسمی، فقدان ارزش‌گذاری صحیح مشارکت اقتصادی زنان روستایی، پایین بودن درآمد رییس خانوار، پایین بودن پایگاه اجتماعی خانواده‌ی زن و زندگی در خانواده‌ی گسترده مهم‌ترین موانع ابراز قدرت و تصمیم‌گیری آن‌هاست. بدون شک، هر یک از این عوامل فردی و خانوادگی در وضعیت زنان روستایی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۱۱

نقشی تعیین‌کننده دارند. مسئله‌ی دیگر در جوامع روستایی، انتظارات زنان و ترسیم وضعیت مطلوب زندگی توسط آن‌هاست. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که هرچند بین وضعیت موجود و انتظارات زنان شاهد اختلاف و شکاف هستیم، اما مقدار آن اندک است. این مسئله نشان‌گر تمایل زنان به حفظ وضع موجود به‌علت سطح اندک آگاهی و تحصیلات آن‌ها است. در حالی که یکی از نیازهای اساسی جوامع برای تحقق توسعه، بالا بودن سطح آگاهی افراد آن جامعه است تا بتوان برنامه‌های توسعه و تغییر و تحول را به‌منظور ارتقای آن جامعه و حرکت به‌سوی توسعه انجام داد، مطالعات گوناگون انجام‌شده و دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود ارزش و اعتبار مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان در اقتصاد روستا، تصمیم‌گیری آن‌ها با ارزش نقش اقتصادی آن‌ها هم‌سطح نیست. هرچند که زنان روستایی در مشارکت اقتصادی دخالتی مؤثرتر دارند، اما بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه و فرزندان مشارکت دارند. دلایل متعدد از جمله مسایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر این امر دخیل هستند. در راستای ارتقای جای‌گاه زنان در تصمیم‌گیری‌ها و بهبود وضعیت آن‌ها موارد زیر پیشنهاد می‌ود:

۱. توجه به وضعیت سواد و تحصیلات زنان.
۲. آموزش والدین در جهت سهیم کردن فرزندان دختر و پسر به تساوی در مسئولیت‌های خانوادگی و تصمیم‌گیری از زمان کودکی.
۳. تلاش در جهت فقرزدایی اطلاعاتی و افزایش دانایی و مهارت زنان از طریق آموزش‌های مورد نیاز آن‌ها در راستای ارتقای آگاهی آن‌ها و استفاده از وسایل ارتباط جمعی از قبیل نمایش فیلم و سخن‌رانی و ارائه‌ی نمونه‌های عینی.
۴. آگاه‌سازی مردان در مورد جای‌گاه و منزلت زنان روستایی و تغییر نگرش مردان روستا نسبت به ارزش کار خانگی و کشاورزی زنان روستایی.
۵. مشارکت اجتماعی زنان، آموزش اقتصادی آن‌ها، کسب درآمد و به دنبال آن ارتقای تصمیم‌گیری زنان در محیط خانواده و اجتماعات روستایی.
۶. احیای گروه‌های خودیاری و تشکل‌های محلی که حتی تا چند سال پیش در نقاط مختلف کشور و محدوده‌ی مورد مطالعه (چیر- یامچی) وجود داشته و اکنون از بین رفته‌اند که مثال بارز آن «واره یا شیرواره» است. این احیاء می‌تواند در قالب شکل نوین نظیر ایجاد تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی یا اقتصادی از قبیل شرکت‌های تعاونی زنان روستایی باشد.

۷. انجام اقداماتی در راستای تضمین دستیابی زنان به حقوق مالکیت زمین، نهادها و تجهیزات کشاورزی.
۸. دستیابی زنان روستایی به اعتبارات خرد و اعطای تسهیلات به فعالیتهای تولیدی و تجاری و تعاونیهای زنان جهت توانمندسازی آنها.
۹. ضرورت آگاهی زنان روستایی نسبت به حقوق و توانمندیهای خود.

منابع

- آرین، علی و علی میرسعید قاضی (۱۳۷۵) سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کار پایه‌ی عمل و اعلامیه‌ی پکن، ناشر: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.
- احمدی، منیژه (۱۳۸۵) «نقش زنان در توسعه‌ی روستایی با تأکید بر فعالیتهای کشاورزی: مطالعه‌ی موردی شهرستان زنجان»، پایان‌نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- اوکلی، پیترو دیوید مارسدن (۱۳۷۰) رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه‌ی منصور محمودنژاد، تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- ایمانی، بهین (۱۳۸۱) «نقش مشارکت زنان روستایی در توسعه و پیشرفت کشور»، نشریه دام، کشت و صنعت، شماره ۳۳، صص ۲۴-۲۰.
- پیران، پرویز (۱۳۸۶) «عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان ایران زمین»، چشم‌انداز ایران، شماره ۴۶ آبان و آذر ماه ۱۳۸۶، صص ۸۱-۷۱.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۱) «تاریخچه‌ی اشتغال زن در ایران»، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، دی، شماره ۷۸، صص ۲۲۰-۲۰۱.
- حمزه‌لو، بهروز و امیرمظفر امینی (۱۳۸۱) بررسی تطبیقی حدود اختیار و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در شهرستان خمین، پایان‌نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- خانی، فضیله (۱۳۷۵) جای‌گاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه‌ی روستایی، مطالعه‌ی موردی: استان گیلان، پایان‌نامه‌ی جهت دریافت درجه‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خانی، فضیله (۱۳۸۳) پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی مطالعه‌ی موردی: روستاهای بندپی شرقی مازندران، مجله مطالعات زنان، شماره ۴، صص ۱۷۰-۱۴۹.
- دبیرخانه کمیته‌ی ملی توسعه‌ی پایدار (۱۳۸۲) گزارش ملی توسعه‌ی پایدار ارائه به اجلاس سران توسعه‌ی پایدار ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
- سازمان ملل متحد (۱۳۷۷) کنفرانس محیط زیست و توسعه (دستور کار ۲۱) ترجمه‌ی حمید طراوتی و سید امیر ایافت، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری برنامه عمران سازمان ملل متحد.

تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی ۱۱۳

سرحدی، فریده. **پوران مالیر و ناهید ساریخانی** (۱۳۷۷) بهره‌وری زن در تولید برنج با تأکید بر زنان سرپرست خانوار، وزارت کشاورزی، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

سن، آمارتیا (۱۹۹۹) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه‌ی احمد مؤثقی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
صالح نسب، غلامحسین (۱۳۷۴) زنان در توسعه کشاورزی، برنامه‌ی کار فائو، وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت.

عفتی، محمد (۱۳۸۳) «بررسی آثار مهاجرت فصلی مردان بر فعالیت‌های زنان روستایی»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال هفتم، شماره ۳، صص ۸۴-۴۱.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان زنجان.

مرکز مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری (۱۳۸۰) مجموعه مقالات همایش توان‌مندسازی زنان، چاپ ایران مصور.

مرکز مشارکت زنان در نهاد ریاست جمهوری (۱۳۸۱) گزارش هم‌اندیشی زنان و توسعه، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی ایران، موسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

مؤسسه‌ی توسعه آسیا و اقیانوسیه وابسته به سازمان ملل متحد (۱۳۶۵) برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه‌ی روستایی راهبردی جای‌گزین، ترجمه‌ی عباس مخبر، سازمان برنامه بودجه، ۱۳۶۵.

میرمعزی، ملیح السادات (۱۳۷۳) «بررسی ضرورت به‌کارگیری مروج زن و معیارهای لازم برای انتخاب آن‌ها»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.

میسرا، آر. پی، و جی. شبیرچیمما (۱۳۷۰) مشارکت مردمی، نشریه جهاد، شماره ۴۵، صص ۳۵-۳۲.

Fao (1992) Women in Agricultural Development, Rome, fao : No.7.

Fao (1999) High Level Consultation on Rural Women and Information Rome, 4-October, Gender Issues in Land Tenure.

Gobayand, I. and Hakobion L (1998) "Rural women's participation in decision making in Armenia" (on line).

Gorman, Monica (2006) Gender relations and livelihood strategies, CABI Publishing.

Sadaka, Halim (2005) Gender and Rural Electrification: A Case from Bangladesh, A Paper to be presented in "Asian Regional Workshop on Electricity and Development", 28-29 April 2005

The Ministry Of Foreign Affairs of Japan (2006) "Women ambassadors to date", (on line): www.mofa.go.jp/policy/human/women-rep4/index.html